

## درباره ریشه‌های شکست اخلاقی-اجتماعی تمدن غربی

### قدرت فرهنگ و ابربحران کرونا

حضرت آیت الله خامنه‌ای در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا، با اشاره به رفتار جوامع غربی در قضیه ویروس کرونا، به ضعف‌ها و شکست‌های غرب در این قضیه اشاره کردند که به بیان ایشان، ریشه در فلسفه مادی تمدن غربی دارد. برای روشن‌تر شدن ابعاد و علل این شکست، پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR در نگار یازدهم، با آقای دکتر حامد حاجی حیدری، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران به گفتگو پرداخته است.

**رهبر انقلاب فرموده‌اند که غرب در مواجهه با مسئله‌ی کرونا به‌ویژه در لایه‌ی فلسفه‌ی اجتماعی و اخلاق عمومی شکست خورد. به نظر شما مهم‌ترین علت و عامل این شکست چیست؟**

شاید سال‌ها بعد از جنگ جهانی دوم بشر این چنین درگیر یک ابر بحران جهانی نشده بود، تمدن‌ها و فرهنگ جهانی این جور محک نخورده بودند. و با این محک یک دیدگاه یک دهه‌ای در علوم اجتماعی تقویت شد؛ و آن اینکه واحدهای تحلیل ملی و واحدهای تحلیل اجتماعی خرد دیگر جواب‌گو نیستند، بلکه واحدهای تحلیل تمدنی‌اند که جواب‌گو هستند. در حال حاضر جهان به دوپست کشور تقسیم نمی‌شود، بلکه جهان به چند تمدن عمده تقسیم می‌شود. از طرف دیگر جهان تحت سیطره یک فرهنگ جهانی نیست.

پس تحلیل‌های مبتنی بر جهانی‌سازی ماکرو هستند و تحلیل‌های متکی بر اجتماعات محلی ملی میکرو هستند. یعنی آن‌ها خیلی عام‌گرا هستند و این‌ها فوق‌العاده خردنگرند و باعث خطای در تحلیل می‌شوند. مثلاً ما وقتی وضعیت کرونا را در ایتالیا به‌عنوان ایتالیا نه به‌عنوان بخشی از قلمرو تمدن مادی غربی بررسی کنیم، این باعث خطای در تحلیل می‌شود. این قضیه نشان داد که واحدهای تحلیل درست، واحدهای تحلیل تمدنی هستند و قلب تحلیل تمدنی، تحلیل فرهنگی است.

در قضیه‌ی ابر بحران کرونا قدرت فرهنگ معلوم شد. و مشخص شد که آن پارامترهای زیربنایی، تحلیل اجتماعی است. قدرت فرهنگ در مواقعی که مردم موفقیت‌هایشان را جشن می‌گیرند ظاهر نمی‌شود، بلکه مواقعی که در مصائب همکاری می‌کنند و قدرت فراعالی نوع بشر را روی کره زمین نشان می‌دهند، معلوم می‌شود. در جریان این بحران قدرت فرهنگ مقاومت در فرهنگ‌های مقاوم در مقابل فرهنگ مادی‌گرا و فردگرای غربی خودش را نشان داد. و در مهار این بحران، قدرت فرهنگی یک مؤلفه‌ی اصلی در تحلیل است.

اما در اینجا دو بحث وجود دارد. یکی مهار بیماری و دیگری مهار تبعات بیماری است. البته مهار تبعات بیماری بسیار مهمتر، پیچیده‌تر و گسترده‌تر است. خصوصاً در مهار تبعات بیماری و فرآیندهای پس‌آیند بیماری، قدرت فرهنگ‌های غیرغربی که طیف وسیعی از فرهنگ‌های شرقی و آفریقایی هست. مثلاً وضعیت فرهنگی ژاپن، کره و چین را ببینید. البته این‌ها تحت نفوذ فرهنگ غربی بودند و هستند، ولی آن بخش‌هایی که مؤلفه‌های فرهنگ مقاوم در مقابل فرهنگ غرب خودنمایی می‌کرده، کمک کرده است که افراد فراتر از دیدگاه‌های فردی‌شان، و فراتر از دیدگاه‌های خودخواهانه‌شان به کمک همدیگر بشتابند و منابع کمیاب را علیه همدیگر محدود نکنند. این یک بخش ماجراست، ولی از آن مهمتر بخش نهادهای مبتنی بر یاری‌گری و ایثارگری‌اند.

ما در مواجهه با تمدن غرب و تحلیل رفتار فرهنگ غربی هنوز این عنصر اصلی را برجسته نکردیم که در فرهنگ غرب چه عاملی وجود دارد که در این شرایط بحرانی مایه‌ی شکست هم در رفتارهای اجتماعی و هم در لایه‌ی تدبیر حکمرانی شده است؟

تحلیل‌گران فرهنگ امروز، آن چیزی که ما الان به آن در تحلیل تمدنی، تمدن غربی می‌گوییم را به دو خصلت شناسایی می‌کنند. یکی مادی‌گری و دیگری فردگرایی. این‌ها مقوم همدیگر هستند. در واقع تحلیل‌گران کانتیننتال اروپایی تأکیدشان بر این هست که آن چیزی که خواستگاه مادی‌گری دارد، فردگرایی است و تحلیل‌گران آنگلو ساکسون معتقدند که آن چیزی که باعث فردگرایی در مدرنیته شده، مادی‌گری است. در هر کدام از این‌ها مناقشات سنگینی وجود دارد، اما در تحلیل ما خیلی تمایزی ایجاد نمی‌کند. مسئله این است که آن چیزی که در فرهنگ مدرن تمدن غربی به‌عنوان ریشه‌ی اصلی سایر سرشاخه‌ها مطرح است، دو مؤلفه‌ی اصلی مادی‌گری و خودمحوری یا فردگرایی است.

با توجه به نکته‌ای که درباره تحلیل تمدنی گفتید، ما الان در شرایط تحقق تمدن نوین اسلامی هستیم و می‌بینیم بین ایران و غرب تمایز رفتاری وجود دارد. مردم ایران در مسئله کرونا به گونه‌ای عمل کردند که رهبر انقلاب از آن به‌عنوان «جهاد عظیم» تعبیر کردند و در طرف مقابل همه گفتند که «غرب وحشی» زنده شده است. علت این تفاوت را چه می‌دانید؟

کلیدواژه جهاد در این میان خیلی مهم است. در جمع‌بندی نهایی فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب هم به این نکته اشاره شد که ستاد مدیریت بحران کرونا باید به این وجه معنوی هم توجه کند. از این جهت که با تأمین معنوی افراد بتوانند در این فرآیند مشارکت داشته باشند، و کمک کنند. مثل بحران‌های بعد از انقلاب که توانستیم با این مشارکت‌ها خصوصاً با محوریت خانواده، با محوریت معنویت در خانواده و نهادهای بومی مثل مساجد و هیئت‌ها که متکی بر معنویت هستند، این بحران‌ها را حل کنیم. این یک بخشی از ماجرا است، یعنی خلق و خوی معنوی باید تقویت بشود.

اما نکته‌ی دوم که مهمتر است، تمرکز و نقطه‌ی اتکای قرارگاه عملیاتی است که باید برنامه‌ی مهار بحران را پیش ببرد. یا باید بروکراسی‌های متعارفی باشد که فرهنگ غربی هم دارد همین کار را انجام می‌دهد و یا باید ملهم از توفیق‌ها و تجربیاتی باشد که ما طی سالیان اخیر به‌دست آورده‌ایم. نقطه‌ی اتکای عملیات مهار بحران باید روی ظرفیت‌های نهادهای بومی باشد. این نکته‌ی دوم خیلی مهمتر از نکته‌ی اول است. نکته‌ی اول سعی می‌کند که ارزش معنویت، ارزش دعا و ارزش انگیزه‌های پاک انسانی را در مشارکت تک تک افراد در مهار بحران تقویت کند. اما نکته‌ی دوم قرارگاه عملیاتی و ستادی است که می‌خواهد این کار را پیش ببرد. آیا نهادهای متعارف بروکراتیک می‌توانند این کار را پیش ببرند؟ یا آن‌گونه که ما در بحران‌های مختلف تجربه کردیم، نهادهای جهادی بهتر می‌توانند این کار را پیش ببرند؟

### نقش خانواده و جایگاه زنان در نهاد خانواده در مواجهه با بحران کرونا، یکی از تمایزات بین فرهنگ اسلامی-ایرانی و فرهنگ غربی است. تحلیل شما راجع به این نکته چیست؟

"جامباتیستا ویکو" یک جامعه‌شناس مسلط ایتالیایی و جزو پایه‌گذاران جامعه‌شناسی اروپا بود. وی یک تحلیل درخشانی در مورد مراحل تکامل جامعه‌ی انسانی دارد و مراحل تکاملی را به‌صورت دوره‌ای ترسیم می‌کند. در مورد آن مقطعی که جوامع بر اساس مشروعیت الهیاتی اداره می‌شوند تأکید درخشانی دارد و در مورد جوامع دینی که متکی بر مشروعیت الهی هستند و بر روی شانه‌های خانواده پیش می‌روند، خانواده را واحد اصلی چنین جوامعی می‌داند. در تأیید این بخش از نظریه ویکو، ما مدام در طول تاریخ انقلاب دیده‌ایم که خانواده چقدر در مقاطع مختلف کارگشایی کرده است. الان هم یک موقعیتی در اثر ابر بحران کرونا پیش آمده که نقش خانواده خیلی برجسته شده است. و یک چیزی شبیه دوران جنگ شده است. یعنی همان طوری که در دوران جنگ بار آن بر روی دوش خانواده بود و مادرها بچه‌ها را به جبهه می‌فرستادند و عقبه‌ی جبهه‌ها را تقویت می‌کردند، پدرها نیز از طریق مساجد و نهادهای واسط مراقب تدابیر در جبهه بودند. در مجموع جبهه را خانواده اداره می‌کرد. الان هم در این قضیه خانواده نقش خیلی مهمی پیدا کرده است.

وقتی حضور افراد در حوزه‌ی عمومی و نهادهای مدنی متعارف فرهنگ امروز کاهش پیدا می‌کند، افراد بیشتر در خانواده هستند. مثلاً آموزش و پرورش و مراقبت‌های بهداشتی در محیط خانواده انجام می‌شود. اگر مجموع این‌ها را در نظر بگیریم، آن چیزی که باعث شده مجموع عملکرد درمانی و بهداشتی ایران، کشور دوم یا سوم جهان باشد، خانواده است که قطعاً یک بخش مهمی از چنین بازدهی و راندمان بالای اداره کشور در شرایط سخت فعلی را به دوش می‌کشد.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی